

## تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در توسعه و مهندسی فرهنگی دانشگاه و جامعه

جلال وهابی همابادی<sup>۱</sup>

### چکیده

در جهان امروز توسعه فرهنگی یکی از پدیده های جوامع گوناگون است. توسعه فرهنگی می خواهد از درون، جامعه و فرهنگ را بسازد، اما تهاجم فرهنگی از بیرون قصد ایجاد یک فرهنگ تحمیلی جدید را دارد. در جوامع مختلف تلاش می شود از عناصر فرهنگ صیانت شود و به تناسب شرایط زمانی و محیطی، آنها را بارور کرده و از خطرات در امان نگهداشته و به رشد و بالندگی برسانند، همچنین با تعیین چار چوبی معین و سیستمی پویا، تعامل فرهنگ با دیگر مؤلفه های قدرت ملی را در مقابل هجومه های فرهنگی به استحکام و ثبات رسانند. در این مقاله بعد از تعاریف و عناصر فرهنگ و مؤلفه های آن به برخی از چالش های موجود در راه توسعه فرهنگی اشاره شده که با پایبندی به الگوهای دینداری امر به معروف و نهی از منکر شاهد توسعه فرهنگی خواهیم بود برای اینکه امر به معروف در عین حال که یک دستور دین است یک رفتار اجتماعی نیز می باشد که با اجرای درست آن شاهد سلامت هر چه بیشتر جوامع بشری خواهیم بود.

### کلید واژه ها :

فرهنگ، توسعه فرهنگی، دانشگاه، چالش ها، امر به معروف، مهندسی فرهنگ

### مقدمه:

طراحی توسعه بومی متکی بر فرهنگ اسلامی و شیعی ضرورتی است که بازشناسی تجربه های تاریخی با رویکرد معرفت شناسانه را ایجاب می کند، شیوه ای که پژوهشگران غربی بر اساس معیارهای معرفتی خود، دیر زمانی است که به کار گرفته اند، البته الگوی جاری در مطالعات آکادمیک، قالبی است که ریشه در تاریخ تحولات اجتماعی غرب دارد و نمی تواند به طور کامل روش فهم تحولات همه دوره های تاریخی باشد، از این رو فرهنگ و جامعه ای می بایست برحسب ویژگیهای خاص خود، روش متمایزی را طراحی کند و چونان ابزار مناسبی برای فهم و تفسیر تحولات تاریخی و اجتماعی حوزه خود به کار گیرد. از آنجا که انسان اصولاً در اجتماع به دنیا می آید و در آن زندگی کرده و ترک حیات دنیوی می کند. حضور آدمی در اجتماع دنیوی در مسیر نظام آفرینشی که برای او رقم زده شده است تأثیرات زیادی در شکل گیری شخصیت اجتماعی و فردی و در نهایت، هویت فردی او دارد و این نقش چنان برجسته و چشمگیر است که گروهی را بر این داشته که جامعه و اجتماع را اصلی مهم و زیر بنایی در ساخت شخصیت آدمی بدانند و حتی او را اسیر آداب و سنتی بشناسند که جامعه برای او ساخته و بر او تنیده است

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نایین

و راه فراری برای او نمی گذارد در کنار آن با نگاهی گذرا به سرگذشت بشر در می یابیم که امر به معروف از پیشینه ای به قدمت انسان برخوردار است. هدف بعثت انبیاء الهی نیز دعوت مردم به خیر، صلاح، توحید و بازداشتن آنها از پیروی طاغوت بوده است. حضور پیام آوران وحی در عرصه تحولات اجتماعی به اندازه ای چشمگیر است که می توان گفت همه حرکت های اصلاحی و دگرگونیهای سازنده در جامعه بشری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر تحقق یافته است.

این نوشته با چنین رویکردی، در پی بازشناسی تأثیرات امر به معروف در توسعه و مهندسی فرهنگی دانشگاه و جامعه است و همچنین چالش های توسعه فرهنگی را مورد بررسی می نماید که درمان همه آنها به نوعی اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر می باشد که در صورت تحقق آن شاهد مدینه فاضله خواهیم بود.

### تعریف فرهنگ:

واژه ی فرهنگ در معنای جدید ترجمه ی واژه ی (culture) می باشد که سابقه چندانى ندارد و امروزه تعاریف گوناگونی از فرهنگ ارائه شده که به چند تعریف معروف اشاره می کنیم.

آریان پور در این زمینه می نویسد: فرهنگ به ابزارها و رسوم و معتقدات و علوم و هنرها و سازمان های اجتماعی دلالت می کند یا آنچه جامعه می آفریند و به انسانها واگذار می کند فرهنگ نام دارد.

فرهنگ، همان رفتارهای فردی و اجتماعی است که در قالب آداب و رسوم، عقاید، باورها و هنجارها خود نمایی کرده و از آن به فرهنگ یاد می کنند. (کوئن، 1372، ص 61) همچنین در تعریف فرهنگ گفته شده که: شیوه زندگی برخاسته از اندیشه (عقل نظری) و نظام ارزشی (عقل عملی) است که در آن، شیوه زندگی اشاره به کیفیت گزینشهای فردی و اجتماعی در برخوردها، تعاملات، نوع گفتارها، کردارها و پندارها دارد. (بابایی، 1384، ص 24).

### عناصر فرهنگ و مولفه های آن :

فرهنگ، سازمانی نظام دار و سیستمی پویاست (لسلی، 1379، ص 5) که در آن، مفهوم نظام و سیستم، وجود اجزاء، عناصر و روابط متقابل را به ذهن متبادر می سازد. عنصر فرهنگی، کوچکترین واحد یک فرهنگ است که از یک جزء یا بخشی که به عناصر و بخشهای دیگر تقسیم پذیر نیست، تشکیل می شود. برخی از عناصر فرهنگی، مادی است و بیش از یک شیء ساده نیست، مثل انگشتر، عصا... و برخی دیگر مادی نیست، بلکه الگوی رفتاری است، مانند دست دادن، سلام کردن، نمازگزاردن و... (کوئن، 1372، ص 79).

«لسلی وایت» هر ساختار فرهنگی را متشکل از چهار عنصر صنعتی (تکنولوژی)، اجتماعی (آداب و رسوم، نهادها و قواعد و الگوهای رفتار افراد با یکدیگر)، عقیدتی (باورداشتها) و نگرشی (احساسات یا طرز فکرهای برای ابراز وجود) می داند و اظهار می دارد که تکنولوژی، شالوده اساسی نظام فرهنگی را تشکیل می دهد و تغییر و تحول در آن موجب تغییر و تحول در سایر بخشها می شود. (وایت، 1379، ص 5)

علامه محمد تقی جعفری، فرهنگ را دارای دو عنصر ثابت و متغیر می داند، عنصر متغیر، مستند به نیازهای متغیر بشری در بستر زمان است که متناسب با شرایط مختلف، متفاوت می گردد و عناصر ثابت فرهنگی، مستند به نیازهای

فطری و ذاتی بشری است که گذشت زمان تأثیری در ماهیت آنها نمی گذارد. مانند عنصر کمال، عنصر احترام، عنصر اشتیاق به داشتن حیات شایسته و تصحیح و تنظیم ارتباط چهار گانه انسان با خویشتن، خدا، جهان هستی و هم‌نوع. (جعفری، 1373، ص 33)

نگاهی تحلیلی به مباحث، ما را به این امر می رساند که عناصر و مؤلفه های اصلی فرهنگ را می توان به صورت ذیل دسته بندی کرد: (بابائی، 1384، ص 51)

#### 1. هنجارها

رفتارهایی هستند که جامعه انتظار دارد مردم به آنها پایبند باشند و در قالب عرف، آداب، سنتها، قواعد و قوانین از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند. عمده ترین انواع هنجارها عبارتند از: سنتها ی عامه، آداب معاشرت، اخلاقیات و قوانین (کوئن، 1372، ص 61)

#### 2. نمادها

نماد، یک نشانه ارتباطی است که نوعی آگاهی را با ساده ترین و سریعترین شکل منتقل می کند .

#### 3. نقشها

نقشها چگونگی ارتباطات فردی و اجتماعی را نشان می دهند. شرایط اجتماعی و نقشهای اجتماعی باعث ایجاد رفتارهای خاص می شود. نقشها همان الگوهای رفتاری قابل انتظاری هستند که برای مشاغل و موقعیتهای اجتماعی وجود دارند.

#### 4. علوم و فنون

پدیده تکنولوژی، یکی از عناصر پر قدرت فرهنگ به شمار می رود. بی تردید نقش علم و تکنولوژی در تمام زمینه های زندگی انسان تعیین کننده است. عنصر تکنولوژی می تواند به عنوان یک عامل بیگانه ساز، فرهنگهای غیرپویا را دستخوش بحران و استحاله کند، اتفاقی که در کشورهای جهان سوم در شرف وقوع است.

#### 5. بینش

بینش از سه مولفه عقاید، ارزشها و آگاهیها تشکیل می شود. ایدئولوژی متکی به ایمان، در فراسوی شناخت عقلی، علمی و تجربی قرار دارد و به همین لحاظ، بسیاری از الگوهای رفتاری و بینشی افراد در جامعه شکل می گیرد. عقیده و ایمان به ما می گوید چگونه نسبت به مسائل و امور دنیوی و اخروی نگاه و قضاوت کنیم و معیارهای خوب و بد و اخلاقی و غیر اخلاقی را برای ما ترسیم می کند. (کازمی، 1374، ص 2).

#### 6. ارزشها

عمده ترین قسمت فرهنگ را ملاکها و معیارها تشکیل می دهند. داوری ما از رفتار و گفتار و پندار دیگران براساس ارزشها انجام می شود. انتخاب اهداف، شیوه ها و وسیله نیل به آنها در جامعه و دانشگاه با ملاکهای ارزشی سنجیده می شوند. چه چیز مطلوب و کدام روش از نظر اجتماعی نامطلوب و نکوهیده است. اصولاً انسان قبل از هر چیز یک موجود ارزشی است و اگر این ویژگی را از او بگیریم دیگر تفاوتی با حیوان ندارد. ارزش مالک چیزی بودن، ارزش خوشبخت و موفق بودن، ارزش افعال و اعمال نیکو، ارزش زیبایی، ارزش زندگی و... همه به غایات زندگی و جامعه مربوط می شود. (دیویس، 1373، ص 17)

## مهندسی فرهنگی:

وقتی سخن از مهندسی کشوری می شود، مقصود طراحی، نوسازی و بازسازی کلان نظام کشور و نظامهای داخلی آن است به گونه ای که هر نظام، نقش و وظیفه ای که باید ایفا کند، در جای خود انجام دهد. اما مهندسی فرهنگی به دنبال راهکارها و روشهایی برای بروز و ظهور فرهنگ مطلوب در جامعه است در حالیکه مهندسی فرهنگ در پی تعیین چارچوب و در نهایت، تعیین نظام و سیستم برای فرهنگ خواهد بود تا به کمک آن بتوانیم فرهنگها را بازشناسی و حدود و ثغور آن را تعیین کرده و در صورت نیاز، به تناسب نیازها، طراحی مجدد کنیم.

( بابایی، 1384، ص 159) در کشور ما عبارت مهندسی فرهنگ اولین بار توسط مقام معظم رهبری در جمع اعضای شورای انقلاب فرهنگی کشور به کاربرده شد تا آنها را برای امر تهیه نقشه مهندسی فرهنگی کشور بسیج کند. به تعبیر ایشان:

اینجا شورای عالی انقلاب فرهنگی را در واقع باید اتاق فرمان فرهنگی کشور یا ستاد عالی فرهنگی و علمی دستگاههای کشور اعم از دستگاههای فرهنگی و سایر دستگاهها و مرکز مهندسی فرهنگی کشور به حساب آورد. یکی از مهمترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درونی و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسانها و جامعه به وجود می آید، چگونه باید باشد؟ فرهنگ هدف کدام است؟ کندی ها و معارضاتش کجاست؟

لذا مجموعه ای لازم است که اینها را تصویر کند ... اینجا آن قرارگاه مقدم فرماندهی است. ( رک به: سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع اعضای شورای انقلاب فرهنگی، 1383)

## جایگاه دانشگاه در فرایند تحولات فرهنگی:

برای اینکه بتوانیم جایگاه دانشگاه را در این عرصه بنمایانیم لازم است نگاهی هرچند اجمالی به فرایند تحولات فرهنگی بیندازیم و مشخص کنیم که دانشگاه در کجای این تحولات می تواند ورود داشته باشد.

دانشگاه جایی است که به توسعه و رشد مبانی فکری و ارزشی اقدام می کند و مهارتهای رفتاری متناسب با نیازهای اجتماعی را آموزش می دهند و نهادینه می سازند. به تعبیر دیگر، حفظ سنتهای علمی یا آکادمیک از وظایف مهم تعلیمات دانشگاهی و علمی است ( شریعتمداری، 1376، ص 13) و مقصود از سنت علمی، موضوعات ذیل می باشد:

1. آزاد ساختن فکر از نفوذ هر نوع عامل محدود کننده، مانند عادات، تعصبات، شرایط اجتماعی، تجربیات قبلی و عقاید و افکار دانشجو برای اینکه به خلاقیت ذهنی دست یابد و به زایش علمی برسد، راهی جز رهاسازی روح و

اندیشه از تعصبات و موارد دیگر ندارد تا به دور از تعلقات، آنها را در کنار یکدیگر قرار داده، به نتایج بهتر دست یابد.

2. ایجاد روح علمی، منظور از روح علمی، ایجاد و رشد خصوصیتی است که در عادات، تمایلات، افکار، نحوه قضاوت و طرز برخورد افراد در مقابل مشکلات آشکار می شود و هدف از آموزش دانشگاهی، تغییر عادات، تمایلات، افکار، نوع قضاوت و طرز برخورد دانشجویان است.

3. تربیت متخصصان در زمینه های مختلف

4. تربیت عمومی، شامل اطلاعات و مهارتهایی که برای ادامه زندگی در جامعه امروز به دانستن و کسب آنها نیاز است.

5. توسعه میراث فرهنگی، یعنی آنچه از گذشتگان در زمینه دینی، فلسفی، هنری، اخلاقی و آداب و رسوم به ما رسیده است.

6. حل مسائلی که جامعه گریبانگر آنها است یا در آینده با آنها مواجه خواهد شد. ( شریعتمداری، 1376، ص 20).  
بنابراین، دانشگاه با تعمیق، رشد و توسعه سنت علمی، ورود جدی در حوزه فرهنگ پیدا می کند. دقت منطقی در سنت علمی ما را با این حقیقت رهنمون می سازد که در واقع سنت علمی اشاره به لایه های زیرین فرهنگ جوامع دارد که به کمک آن لایه بیرون فرهنگ، یعنی رفتارها و مصنوعات و کالاهای فرهنگی شکل، جهت و هویت می یابد. ( شاین، 1385، ص 82).

چالش های توسعه فرهنگی که با پابندی به الگوهای دینداری امر به معروف و نهی از منکر برطرف می گردد

1. فقدان نظم و انضباط در امور

لزوم نظم پذیری و ضابطه گرایی باید به عنوان یک باور فرهنگی پذیرفته شود، در گذشته اگر کشاورزی به دلیلی نمی توانست به موقع سرکار خود حاضر شود، فقط کار خودش چند ساعت عقب می افتاد ولی امروزه به علت جمعی بودن کار، اگر کسی به موقع حاضر نشود، کار نظام مختل می شود. لذا به منظور ایجاد انضباط کاری، نظم پذیری جمعی باید به یک باور فرهنگی تبدیل شود و به خاطر آنکه امر به معروف به عنوان انتشار خوبیها و افشاندن بذر نیکی ها در کشتزار جان آدمی است اگر در این زمینه لغزشی از کسی مشاهده شد که نظم و انضباط را رعایت نمی کند می توان آگاهانه او را هدایت نمود.

2. عدم حساسیت به وقت و زمان

امروزه جوامع در مسیری حرکت می کنند که فعالیت ها طبق زمان واقعی انجام می شود یعنی پاسخ گویی به رویدادها درست در زمان وقوع صورت می گیرد. در این شرایط ثانیه ها هم دارای اهمیت است. در کشور ما اکثر جلسات، همایش ها و قرارها به موقع انجام نمی شود و این یک چالش فرهنگی است و طبق بررسی های به عمل آمده کمتر از استاندارد واقعی می باشد و این در جایی که یک شهروند مسئول در قبال تعهدی که دارد احساس

مسئولیت می کند و اگر چنین شد و به الگوهای دینداری امر به معروف و نهی از منکر پایبند بود با افشاندن هر بذر نیکی، گلی از درون آن شکفته می شود و در نتیجه جامعه گلزاری از ارزش ها، نیکی ها و فضیلت ها می گردد و خود در مقام اصلاح دیگران بر می آید.

### 3. فقدان انگیزه پیشرفت

در فرهنگ پویا افراد همواره در جهت بهتر کردن وضع موجود گام بر می دارند و در آنها انگیزه پیشرفت وجود دارد، یعنی میل به دستیابی به وضع بهتر، انگیزه توسعه فرهنگی را پرورش می دهد در جامعه ای که تمایل به فراگیری تحت عنوان مفهوم انگیزه پیشرفت وجود دارد مستعد توسعه و پیشرفت است حال اگر کسانی وجود دارند که انگیزه ای ندارند و برای کشور دل نمی سوزانند با ارشاد و راهنمایی آگاهانه می توان آنها را در مسیر صحیح هدایت نمود.

### 4. کسالت ها و کم کاری ها

یکی از مشکلات توسعه فرهنگی در کشور ما این است که افراد بعضاً غیر فعال، کسل و ناتوان هستند که می توان با ارائه الگوهای دینداری مناسب شادابی را به محیط کار آنها عرضه نمود و از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای نظارتی و بر عهده ی عموم مردم می باشد می توان با انجام این مهم از فضیلت آن هم بهره مند شد چرا که پیامبر اکرم در حال سخنرانی بود که شخصی از او پرسید « یا رسول الله بهترین مردم چه کسی است؟ » آن حضرت در پاسخ فرمودند « اَمْرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّقَاهُمْ لِلَّهِ وَ ارْضَاهُمْ. ( طبرسی، ج 2 ص 614) کسی که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر می کند و کسی که از همه بیشتر تقوای خداوند را دارد و نسبت به مشیت او راضی تر از دیگران است. »

### 5. کم فکر کردن

از جمله چالش های توسعه فرهنگی که از نظر فرهنگی باز دارنده است، کم فکر کردن است افراد کم فکر برای رسیدن به مقصود اولین کاری که می کنند این است که آیا دیگران راه حلی را گذاشته اند یا نه. در صورت وجود راه حل همان را به صورت کلیشه ای تعقیب و در غیر این صورت از پیگیری موضوع صرف نظر می کنند.

مشکل اساسی ما در تاریخمان از مقطعی به بعد دوری از تفکر بوده است ما هر چه بیشتر از تفکر فاصله بگیریم، به شکل گرایی رو می آوریم. نتیجه ی شکل گرایی، گرته برداری، تقلید کورکورانه، عوام زدگی، قشری گری، حافظه پروری و تجربه گرایی است. ( افروغ، 1385)

### 6. فقدان اعتماد به نفس و روحیه تقدیرگرایی

عنصر فرهنگی برخاسته از چنین روحیه ای به نحوی از آنجا باعث انکار توانایی ها و قدرت انسان برای تغییر عقلانی محیط می باشد و با اندک آموزشی یا توجیه عقلانی می توان از این معضل رهایی یافت و از آنجا که ارشاد به خوبیها و انتقاد از بدیها، صرفاً متوجه فرد یا افراد خاصی نیست، بلکه همه افراد جامعه را به یکسان در بر می گیرد،

حتی حاکمان و قدرتمندان را با استناد به این فریضه ضعیف ترین افراد جامعه می توانند گریبان بزرگترین افراد جامعه را گرفته، لغزشها و خطاهای آنها را گوشزد نموده و آنان را امر و نهی نمایند. (اسفندیاری، 1375، ص 76) از دیگر چالش های توسعه فرهنگی که اسلام شدیداً با آن مخالف است عبارتند از:

#### 1. کسب محبوبیت به بهای تخریب دیگران

یکی از مهمترین شرایط پایداری دوستی و معاشرت با دیگران، رعایت انصاف در حق آنان است. در این زمینه، روایات فراوانی در جوامع روایی و اخلاقی وجود دارد. (محمدی ری شهری، 1379، ص 84) امام علی (ع) می فرماید: انصاف موجب پیوند دلها به یکدیگر می شود. (همان، ص 84) با رعایت انصاف است که دوستی میان دو نفر تداوم می یابد.

(میرزا حسین نوری، ج 2 ص 38)

#### 2. عدم صداقت در اعتراف به اشتباهات

حضرت امام خمینی در پیامی به مناسبت 22 بهمن سال 1363 خطاب به مسئولان و مدیران کشور، می فرماید: « هر یک در مقامی احساس ضعف در خود می کند، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده از مقاومت در هواهای نفسانی، بدون جوسازی، دلاورانه و با سرافرازی نزد صالحان از مقام خود استعفا کند که این عمل، صالح و عبادت است. » (امام خمینی، ج 19، ص 157)

برخورد صادقانه با مردم یعنی آنان را محرم اسرار خود دانستن، یعنی جز در موارد استثنایی و ضروری، همه مسائل حکومتی را با آنان در میان گذاشتن و از آنان راهنمایی خواستن. امام علی (ع) در این خصوص می فرماید: بدانید حق شما است برمن که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ که از پوشاندن آن ناگزیرم و کاری را جز در حکم شرع بی رای زدن با شما انجام ندهم و حق شما را از موقع آن به تاخیر نیفکنم و تا آن را نرسانم و قفه ای در آن روا ندانم، و همه شما را در حق برابر دانم. (نهج البلاغه، نامه 53)

#### 3. پاسخگو نبودن

حاکمان و مسئولان جامعه، زمانی می توانند به اهداف خود، اعم از اهداف مادی یا معنوی، دست یابند که احکام و دستورات آنان و قوانین مورد تایید شان، از سوی مردم پیروی شود. در مقابل، آنها هم پاسخگوی مردم باشند چرا که به تعبیر امیرمؤمنان علی علیه السلام، لارأی لِمَنْ لا يُطاع، کسی که از او اطاعت و پیروی نکنند گویا اصلاً اندیشه و طرح و برنامه ای ندارد. (نهج البلاغه، نامه 27)

#### 4. فقدان بینش آینده نگری

یکی دیگر از عواملی که موجب می شود شاهد توسعه فرهنگی نباشیم فقدان بینش آینده نگری است این در حالی است که آموزه های دینی و الگوهای دینداری ما را در این زمینه از این آسیب اجتماعی آگاه نموده اند و ما را به آینده نگری بیشتر در تمام مراحل زندگیمان سوق داده اند.

5. اشاعه فرهنگ تملق و چاپلوسی

تملق و چاپلوسی به عنوان چالش بزرگ در مقابل توسعه فرهنگی محسوب می شود و امر به معروف و نهی از منکر در این زمینه به خوبی می تواند خود نمایی کند و عیوب دیگران را گوشزد نماید چرا که امر به معروف به معنای افزایش فضای سبز خانه دلها و کویر زدائی معنوی جامعه و جان کسانی است که از نیکی ها فاصله گرفته اند، امر به معروف کلید خوبی هاست و ماهیت نیکی و نیک آوری دارد و نهی از منکر چراغ تابنده ای است که ماهیت نیکی و ضد پلیدی دارد.

6. توجه صرف به منافع شخصی و خود رایی در تصمیم گیری

استبداد در رای و پرهیز از مشورت با دیگران از سوی اولیای دین به شدت، مورد نکوهش قرار گرفته و عامل تباهی انسان معرفی شده است. (مجلسی، ج 1، 160) برای در امان ماندن از این لغزشگاه، توصیه های فراوانی به مشورت و رایزنی با دیگران شده است امام علی (ع) مشورت با دیگران را به منزله ی مشارکت در عقول و اندیشه های آنان می داند. (نهج البلاغه 161)

نتیجه گیری :

توسعه فرهنگی و مهندسی فرهنگ نیازمند قبول جذب افراد جامعه از یک سو و آموزش مستمر آنها از سوی دیگر است که اعتقاد به الگوهای دینداری و همچنین مدنظر قراردادن امر به معروف تاثیر آن را دو چندان می کند به خاطر اینکه این قبول و جذب در صورتی رخ می دهد که افراد آگاهانه آن را بپذیرند و برای خود سودمند بدانند. به عبارت دیگر افراد باید احساس کنند که برای تعادل ارتباط خود با محیط ناگزیر از پذیرش آن هستند. زمانی که نوآوری، تغییر، حساسیت به زمان، ارزش دادن به کارهای گروهی و نه فردی، انتقاد پذیری، ارج گذاشتن به آموزش، توجه به شخصیت و حقوق دیگران به یک باور فرهنگی تبدیل شود.

از طرف دیگر لازم است که سازمان های فرهنگی جامعه و دانشگاهها با تغییر و تحول در برنامه ها در صدد ایجاد مدیریت فرهنگی باشند تا با حاکم کردن هویت فرهنگی ایرانی - اسلامی شاهد شکست تهاجم فرهنگی دشمن باشیم که این مهم محقق نخواهد شد مگر با اجرای فرامین اسلامی در جامعه و دانشگاه و آشنا نمودن نسل جوان با برنامه های دین اسلام که در این صورت شاهد جامعه ای دینی و اسلامی خواهیم بود.

فهرست منابع:

- 1) قرآن کریم
- 2) نهج البلاغه
- 3) افروغ، عماد، (1385) چالش های فرهنگی ایران، روزنامه اطلاعات، شماره 23732 پنج شنبه 3 شهریور ماه



- 4) اسفندیاری، محمد، ( 1375) بعد اجتماعی اسلام، قم نشر خرم
- 5) بابایی، محمد باقر، (1384) مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی (ع)، مرکز تحقیقات راهبردی دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، تهران
- 6) جعفری، محمد تقی، ( فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، تهران، نشر علمی فرهنگی )
- 7) خمینی، روح الله، (1378) صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- 8) دیویس، استانی، (1373) مدیریت فرهنگ سازمان، ترجمه ناصر میرسپاسی، تهران، نشر مروارید
- 9) شاین، ادگار، (1385) فرهنگ سازمانی، برزو فرهی، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)
- 10) شریعتمداری، علی (1376) جامعه و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر
- 11) طباطبایی، محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه المدرسین، بی تا
- 12) طبرسی، فضل بن حسن، (1406) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، پیروت دار احیاء التراث العربی
- 13) کاظمی، علی اصغر، (1374) روش و بینش در سیاست، تهران، وزارت امور خارجه
- 14) کوئن، بروس، (1372)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه علامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت
- 15) لسلی، وایت، (1379) تکامل فرهنگ، ترجمه مجیدی، بی جا، دشتشان
- 16) مجلسی، محمد باقر، (1403) بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الثالثه
- 17) محمدی ری شهری، (1379) دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه سید حسن اسلامی، قم
- 18) نوری، میرزا حسین، (1408) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البيت، الثانیه